تاریخ جهان

ایرلندی‌ها چگونه به استقلال دست یافتند؟

جداکردن زالوی انگلیسی از بدن یک ملت!

۹۹ سال پیش در چنین روزی، ششم دسامبر سال ۱۹۲۱، ایرلندی‌ها بالاخره به آرزوی دیرین خود رسیدند و توانستند شر انگلیسی‌ها را از سرشان کوتاه کنند. هرچند که بخشی از شمال این جزیره به بهانه اختلافات مذهبی، به سرزمین مادری نپیوست و با عنوان ایرلند شمالی، بخشی از خاک بریتانیا باقی ماند.

■ **وصله ناجور انگلوساکسون**

جالب است که نطفه کشور انگلیس با غصب و اشغال سرزمین‌های اقوام همسایه منعقد شده‌است. سال‌هاست که دو منطقه اسکاتلند و ولز که به لحاظ نژادی و تاریخی تفاوت‌های اساسی و آشکاری با انگلوساکسون‌ها دارند، به دنبال استقلال از انگلیس هستند؛ اما هر بار بریتانیا به بهانه‌ای از زیر بار این خواسته شانه خالی می‌کند. مردم ایرلند به لحاظ نژادی و بر اساس مطالعات انجام‌شده بر اسکلت‌های به دست آمده، ریشه‌ای آسیایی دارند و حتی برخی معتقدند که چندهزار سال قبل، از خاورمیانه به ایرلند کوچ کرده‌اند؛ ادعایی که البته چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. ایرلندی‌ها اگرچه به صورت متناوب تحت‌سیطره انگلیسی‌ها قرار می‌گرفتند، اما دست‌کم تا سال ۱۸۰۱، پادشاهی مستقلی داشتند.

■ **خاتمه حاکمیت نیم‌بند**

در این سال، انگلیس بر همان حکومت نیم‌بند هم خط بطلان کشید و همسایه غربی را، به عنوان بخشی از خاک بریتانیا به حوزه سیاسی خود ضمیمه کرد. انگلیسی‌ها سپس به تغییر بنیان‌های فرهنگی ایرلند پرداختند و تعداد زیادی از مخالفان ایرلندی خودشان را به استرالیا و کانادا تبعید کردند. با این حال، در سال ۱۹۱۶ و در بحبوحه جنگ جهانی اول، ارتش جمهوری‌خواه ایرلند، شاخه نظامی حزب جمهوری‌خواه «شین‌فن»، اعلام استقلال کرد و با شروع نبرد موسوم به «قیام عید پاک»، جنگ بی‌امان ایرلندی‌ها با انگلستان آغاز شد. در دسامبر سال ۱۹۱۸، مردم ایرلند به یک پیروزی تاریخی دست یافتند و چندماه بعد در ژانویه ۱۹۱۹، رسماً دولت خود را تشکیل دادند. آن‌ها به سربازان انگلیسی مستقر در کشورشان یورش بردند و بالاخره، در ششم دسامبر سال ۱۹۲۱، استقلال کامل خود را به دست آوردند و بریتانیا را وادار به پذیرش این واقعیت کردند.

گزارشی متفاوت از واقعه ۱۶ آذر در روزنامه خراسان ۶۷ سال قبل

سلاخی دانشجویان با سرنیزه‌های مأموران شاه

جواد نوائیان رودسری– کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، به معنای غلبه ناگهانی و کامل رژیم پهلوی بر ارکان کشور و استیلای اختناق کامل نبود؛ هنوز زمان می‌خواست تا کودتاچی‌ها بتوانند در اقصی نقاط ایران، نفوذ خود را بسط دهند و با سرکوب گروه‌های مردمی که برای حفظ آرمان‌های نهضت ملی‌شدن صنعت نفت فعال بودند، استبداد و دیکتاتوری را به معنای کامل کلمه بر سراسر ایران مستولی کنند. در این بین، مردم شهرهای مختلف و از جمله مشهد نیز، بیکار ننشستند تا صرفاً شاهد بر باد رفتن دستاوردهای خون شهدای ۳۰ تیر و پایمردی‌های سیاستمداران ملی، برای قطع ید استعمار از نفت ایران باشند. تشکیل گروه مقاومت ملی در مشهد با محوریت استاد محمدتقی شریعتی، یکی از این اقدامات بود که به بازداشت او و پسرش، روانشاد دکتر علی شریعتی و انتقال آن‌ها به زندان «قزل‌قلعه» تهران نیز، انجامید.

■ **مقدمات یک گزارش تاریخی**

بنابراین، دست‌کم تا چندماه بعد از کودتا، همچنان اعتراضات گسترده، اما پراکنده‌ای وجود داشت که دولت و دربار را آماج انتقادات تند و صریح قرار می‌داد و خواستار حراست از دستاوردهای نهضت ملی‌شدن صنعت نفت بود. اعلامیه شدیداللحن آیت‌ا... کاشانی که در آذرماه سال ۱۳۳۲، در روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور و از جمله روزنامه خراسان در مشهد، درباره بازگشایی سفارت انگلیس در تهران و تلاش دربار و دولت برای برقراری روابط با این دولت استعماری، منتشر شد، یکی از این اقدامات محسوب می‌شد. البته روزنامه‌هایی که جرئت انتشار این اعلامیه را پیدا کردند، زیاد نبودند. هراس از وضعیت پراختناقی که دولت فضل‌ا... زاهدی، با حمایت کامل محمدرضا پهلوی به وجود آورده بود، باعث این احتیاط جدی می‌شد. با این حال، روزنامه خراسان در شماره ۱۲۷۵ خود، مصادف با ۱۶ آذرماه سال ۱۳۳۲، اعلامیه را منتشر کرد و با وجود سخت‌گیری‌ها، کوشید تا از موضعی بی‌طرفانه، اعتراضات مردمی را پوشش خبری دهد؛ کاری که در واقع حمایت ضمنی از این اقدامات محسوب می‌شد و مردم را از شرایطی که پس از کودتا بر کشور حاکم بود، آگاه می‌کرد.

■ **در ۱۶ آذر چه گذشت؟**

هفته دوم آذرماه سال ۱۳۳۲ بود که خبری در میان مردم منتشر شد: قرار است «نیکسون»، معاون آیزنهاور، رئیس‌جمهور آمریکا، به ایران بیاید و به شاه برای سرکوب نهضت ملی، تبریک بگوید. در واقع، آمریکایی‌ها می‌آمدند تا سهم خود را از مشارکت در کودتا بگیرند. این خبر، جامعه را به شدت ملتهب کرد. حکومت کودتا برای جلوگیری از اعتراضات و آرام نگه‌داشتن جامعه، باز هم به نیروهای نظامی متوسل شد. هزاران سرباز اسلحه به دست، در خیابان‌های تهران مستقر شدند. شرایط، لحظه به لحظه وخیم‌تر می‌شد، تا این که در دانشگاه تهران، اتفاقی ناگوار روی داد. سربازانِ مسلح، برای جلوگیری از تجمع و اعتراض دانشجویان، در همه جای دانشگاه مستقر شده بودند. افزون بر خبر ورود نیکسون، موضوع اعطای دکترای افتخاری حقوق به او، از طرف دانشگاه تهران، بر خشم دانشجویان و استادان، بیش از پیش دامن زده بود. دانشجویان آشکارا از حضور نظامیان که مقدمه‌ای برای آمدن نیکسون به دانشگاه تهران بود، انتقاد می‌کردند. هنگام عبور دو سرباز از کنار پنجره یکی از کلاس‌های دانشکده فنی، چند دانشجو، با ایما و اشاره به آن‌ها فهماندند که باید از دانشکده بیرون بروند و این‌جا، جای آن‌ها نیست. این اقدام، بهانه را به دست نظامیان داد. دقایقی بعد، آن‌ها برای بازداشت دانشجویان، بدون اجازه وارد ساختمان شدند و به کلاس‌های درس رفتند. اهانت و خشونت نظامیان، کاسه صبر دانشجویان را لبریز کرد. تعداد زیادی از آن‌ها، داخل راهروی اصلی دانشکده فنی تجمع کردند. فریادهای اعتراض بلند شد. به تدریج شعارها انسجام بیشتری پیدا کرد؛ شعارهایی که موضوع بیشتر آن‌ها، تقبیح شاه، دولت کودتا و اقدام آمریکایی‌ها در همکاری با کودتاگران بود. با اوج گرفتن اعتراض، فرمانده نظامیان دستور حمله به دانشجویان را داد و به این ترتیب، سه دانشجو به شهادت رسیدند و شماری دیگر نیز، به شدت مجروح شدند.

درب ورودی دانشگاه در روز ۱۷ آذر

■ **نخستین تسلیت**

واقعه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران و شهادت سه دانشجوی دانشکده فنی، یعنی شریعت رضوی، بزرگ‌نیا و قندچی، برای عموم مردم ایران، بسیار سخت و ناگوار بود؛ اما برخورد با اخبار مربوط با آن توسط جراید فعال، با احتیاط فراوان صورت گرفت. روزنامه خراسان در شماره روز ۱۷ آذرماه خود، تنها متن اطلاعیه فرمانداری نظامی تهران را منتشر کرد؛ بدون کوچک‌ترین اظهارنظری درباره اتفاقات رخ‌داده. ظاهراً برای کار روی این خبر، هم نیاز به رعایت جوانب مربوط به رژیم استبداد و اختناق بود و هم زمان انتشار آن باید به نحوی انتخاب می‌شد که از ضرب خبر، کاسته نشود. مشهدی بودن مهدی شریعت رضوی، یکی از دانشجویان شهید و وابستگی او به یکی از خانواده‌های بازاری و آبرومند شهر، نخستین جرقه انتشار گزارش خبری ما وقع روز ۱۶ آذر را در روزنامه خراسان زد؛ روز ۱۸ آذر ۱۳۳۲، روزنامه خراسان آگهی ترحیم خاندان شریعت رضوی را به مناسبت شهادت فرزندشان در صفحه چهار روزنامه که یکی از پرمخاطب‌ترین صفحات محسوب می‌شد، منتشر کرد و افزون بر این، زیر آگهی را به جمله‌ای از طرف روزنامه اختصاص داد: «خراسان: این ضایعه اسفناک را به خانواده شریعت رضوی تسلیت می‌گوییم.»

■ **گزارش تاریخی منتشر می‌شود**

با انتشار آگهی ترحیم، گام دوم در روز ۱۹ آذرماه ۱۳۳۲، سه روز بعد از وقایع دانشگاه تهران و برای تنویر افکار عمومی برداشته شد؛ گزارشی مبسوط در صفحات دو، سه و چهار روزنامه خراسان آن روز انتشار یافت؛ گزارشی که هر چند به دلیل فضای پراختناق حاکم، کمتر به بیان صریح دلایل اتفاق می‌پرداخت، اما به صورت جدی، حقایق مربوط به اصل ماجرا و چگونگی وقوع آن را در اختیار مردم قرار می‌داد. یکی از مهم‌ترین فرازهای این گزارش، ستونی بود که در صفحه چهار و زیر عنوان «علت مرگ سه نفر دانشجویان مجروح» نوشته شد. این خبری بود که به نقل از مأمور اداره پزشکی قانونی، پس از معاینات اولیه به رشته تحریر درآمد و با گزارشی که بعدها از سوی رژیم پهلوی منتشر شد و کشته‌شدن آن سه دانشجو را، اتفاقی و صرفاً به دلیل شلیک و کمانه کردن گلوله اعلام کرده بود، تفاوت‌های اساسی دارد. در این گزارش که در ستون صفحه چهار روزنامه خراسان شماره ۱۲۷۸، مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۳۲ انتشار یافته‌است، می‌خوانیم: «**علت فوت سه نفر دانشجویان دانشگاه از طرف اداره پزشکی قانونی چنین تشخیص داده شده‌است: ۱- شریعت رضوی دانشجوی مقتول فقط به علت زخم سرنیزه فوت کرده‌است. سرنیزه استخوان ران راست وی را هم به کلی خُرد کرده و شریان‌ها را پاره نموده و در نتیجه خونریزی زیاد مجروح درگذشته‌است. یک گلوله نیز به دست راست وی اصابت کرده که جلدی بوده و نمی‌توانسته باعث مرگ باشد. ۲- مصطفی بزرگ‌نیا**

بقیه از صفحه ۲

علت مرگ سه نفر

دانشجو یار مجروح

علت فوت سه نفر دانشجویان دانشگاه از طرف اداره پزشکی قانونی چنین تشخیص داده شده است:

۱ ـ شریعت‌رضوی دانشجوی مقتول فقط بعلت زخم سرنیزه فوت کرده است سرنیزه استخوان ران راست وی را بکلی خورد کرده و شریانها را پاره نموده و در نتیجه خونریزی زیاد مجروح درگذشته است یك گلوله نیز بدست راست وی اصابت کرده که جلدی بوده و نمیتوانسته باعث مرگ باشد.

۲ ـ مصطفی بزرگ نیا دانشجوی دانشکده فنی بر اثر یك گلوله که از طرف راست قفسه سینه وارد شده واز زیر بغل چپ او خارج گردیده فوت کرده است، وبر اثر این گلوله استخوان بازوی او بکلی خورد شده و خونریزی زیاد باعث مرگ وی گردیده است. برپشت شانه راست مقتول نیز اثر زخم سر نیزه دیده میشد که تا ۱۵ سانتیمتر زیر پوست فرو رفته بود.

۳ ـ مقتول دیگر احمد قندچی بعلت اصابت گلوله ای که وارد شکم وی گردیده و احشاء داخلی را پاره نموده در گذشته است.

اداره پزشکی قانونی با حضور نماینده دادسرای نظامی اجساد را معاینه کرده ولی هنوز گزارش رسمی در این زمینه نداده است

دانشجوی دانشکده فنی بر اثر یک گلوله که از طرف راست قفسه سینه وارد شده و از زیر بغل چپ او خارج گردیده فوت کرده‌است و بر اثر این گلوله استخوان بازوی او به کلی خُرد شده و خونریزی زیاد باعث مرگ وی گردیده است. بر پشت شانه راست مقتول نیز اثر زخم سرنیزه دیده می‌شد که تا ۱۵ سانتی‌متر زیر پوست فرو رفته بود. ۳- مقتول دیگر، احمد قندچی به علت اصابت گلوله‌ای که وارد شکم وی گردیده و احشاء داخلی را پاره نموده در گذشته‌است. اداره پزشکی قانونی با حضور نماینده دادسرای نظامی اجساد را معاینه کرده ولی هنوز گزارش رسمی در این زمینه نداده است.» این گزارش با عکس دو تن از شهدا، یعنی شریعت رضوی و بزرگ‌نیا و همچنین، عکسی از در ورودی دانشگاه تهران که مأموران مسلح را در حال کشیک نشان می‌دهد، تکمیل شده‌است.

■ **افشای حقایق هولناک**

گزارش روز ۱۹ آذرماه سال ۱۳۳۲ روزنامه خراسان، به رغم همه احتیاط‌ها به دلیل استیلای اختناق، پرده از رازی هولناک برمی‌دارد؛ نخست آن که حمله به دانشجویان دانشگاه تهران، نه به صورت عمومی و صرفاً برای ایجاد رعب و متفرق کردن دانشجویان معترض، بلکه با هدف زهرچشم گرفتن از طریق سلاخی برخی از آن‌ها انجام گرفت و برخلاف آن‌چه بعدها در رسانه‌های رژیم انتشار یافت، کشتاری اتفاقی و خارج از کنترل نبود. دوم این که، دژخیمان رژیم حتی پس از عقب نشستن دانشجویان، به تعقیب آن‌ها پرداختند و نه فقط با گلوله، بلکه با سرنیزه نیز به جان آن‌ها افتادند. برای اثر سرنیزه‌ای که بر پشت شهید بزرگ‌نیا وجود داشت، تنها دو حالت قابل تصور است؛ یا او را با گلوله هدف قرار دادند و سپس با قصد تمام کردن کارش، تیغه سرنیزه را تا عمق ۱۵ سانتی‌متری بدن وی فرو کردند یا ابتدا شهید را هدف سرنیزه قرار دادند و سپس، برای تمام کردن کاروی، تیر خلاص را شلیک کردند. مزیت گزارش خراسان نسبت به گزارش‌های مشابه، جزئیاتی است که در این باره ارائه کرده‌است. بنابراین، می‌توان فضای آن اتفاق ناگوار و تلخ را بهتر و دقیق‌تر تجسم کرد؛ سلاخی جوانان ایرانی با سرنیزه، برای خوشایند نیکسون! شاید طعنه‌ای که بعدها دکتر علی شریعتی در یکی از نامه‌هایش درباره شهادت مهدی شریعت رضوی می‌نویسد، نشان‌دهنده این حقیقت تلخ باشد؛ آن‌جا که می‌گوید «او را پیش پای نیکسون قربانی کردند».

درباره عمارتی منحصر به فرد در قلب ایران

«خورهه»؛ یادگار شکوه و اقتدار اشکانیان

مکان‌های تاریخی

شهرستان محلات و نواحی اطراف آن، یکی از قدیمی‌ترین زیستگاه‌های انسان در فلات ایران است. آب‌وهوای عالی و رودخانه‌های پُرآب، این منطقه را از هر جهت برای زیست مناسب انسانی، تجهیز کرده‌است. به همین دلیل، در عرصه تاریخی نیز، می‌توان آثار و شواهد متعددی را در گوشه و کنار این ناحیه مشاهده کرد که معبد «خورهه» یکی از آن‌هاست. این معبد در ۴۸ کیلومتری شمال شرقی محلات قرار دارد و سرستون‌های آن، در نوع خود بی‌نظیرند. کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که معبد خورهه، احتمالاً اوایل دوره اشکانی بنا شده‌است.

هرچند که در این کاوش‌ها، سکه‌هایی از دوره سلوکی نیز به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده قدمت این مکان از منظر تاریخ فرهنگ است؛ به این معنا که احتمالاً، عمارت عصر اشکانی روی بقایای ساختمانی از دوره سلوکی و شاید هخامنشی قرار داشته‌است. نکته جالب‌توجه این که معمولاً ما در عرصه فلات ایران کمتر به بقایای آثار ساخته‌شده در دوره اشکانی برمی‌خوریم و چنین به نظر می‌رسد که عمده این شواهد، در دوره ساسانی و برای امحای آن‌چه از دودمان اشکانی باقی مانده بود، از بین رفته باشد. با این حال، می‌دانیم که هنوز بقایای اشراف اشکانی در دوره ساسانی هم صاحب جایگاه و موقعیت بودند و احتمالاً خورهه یکی از مناطقی بود که همچنان زیر نفوذ بزرگان اشکانی باقی مانده بود. دیگر این که امکان دارد این مکان به دلیل قداست، مورد توجه مردم و ساکنان منطقه بوده و به این دلیل از تخریب و تعرض مصون مانده‌است. ساختمان خورهه، مرکب از سه بنای مجزاست که احتمالاً در عصر ساسانی کاربری آتشکده داشت.

نقش خارپشت در پایتخت یعقوب لیث

مبارزه بیولوژیک مردم سیستان با افعی‌ها!

تاریخ اجتماعی

اگرچه مورخان، دوره سامانیان را عصر احیای فرهنگ ایرانی می‌دانند، اما واقعیت آن است که چنین رویکردی، در قلمرو صفاریان و به همت یعقوب لیث، از مدت‌ها قبل آغاز شده بود. زَرَنگ یا زَرَنج، پایتخت یعقوب که مکان آن امروز به تحقیق معلوم نیست، بافتی کاملاً ایرانی و مبتنی بر فرهنگ دیرینه این سرزمین داشت که با دستمایه‌هایی از آموزه‌های اسلامی، رنگ و شکل اسلامی ایرانی به خود گرفته بود. از معماری و بافت فرهنگ شهر زرنگ، به‌عنوان پایتخت صفاریان، گزارش‌هایی در متون تاریخی وجود دارد که بسیار جالب و حائز اهمیت است. طبق گزارش مورخان، بناهای شهر از خشت و گِل ساخته شده بود و کمتر در آن اثری از چوب دیده می‌شد؛ زیرا در شرایط گرم و مرطوب حاشیه هامون، چوب را موریانه می‌خورد و باعث تخریب زودرس خانه می‌شد. استخری در «مسالک و ممالک» آورده‌است که مردم زَرَنگ با مشکل وجود مارهای افعی در شهر خود مواجه بودند و به همین دلیل، برای رهایی از این مشکل، به نگهداری خارپشت در منزل روی آوردند: «پیمان مردم سیستان چنین است که خارپشتی را نکشند و شمار نکنند چه در آن‌جا افعی بسیار است و کمتر خانه‌ای است که در آن خارپشت نباشد.» در واقع مبارزه بیولوژیک با افعی و خطرات آن، هنری بود که مردم سیستان، در بیش از هزار سال قبل، به آن واقف بودند و از تأثیر آن بهره می‌گرفتند. زَرَنگ به لحاظ دفاعی هم، شهری قدرتمند در سیستان بود؛ استخری از پنج دروازه بزرگ این شهر نام می‌برد و می‌نویسد: «دروازه آهنین، دروازه کهن، دَرِ کرد کویه بر خراسان، دروازه بعدی در نیشک به سوی بُست ... دروازه طعام رو به روستاها باز می‌شود و این دروازه آبادتر است. همه دروازه‌ها در آهنین دارند.» قصر یعقوب لیث نزدیک دروازه طعام قرار داشت و به همین دلیل، باید این بخش از شهر را غیرقابل نفوذتر از بقیه بدانیم.

انتشار احوالات قبله عالم

خاک بر سرت، خوک شکار کردی؟!

یک‌شنبه، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ - دیشب تا صبح برف بارید. صبح برخاستیم دیدیم تمام دنیا سفید است. گفتیم باید سوار شد و شکار رفت. دستور دادیم غذا را در قابلمه کشیدند که برویم بیرون. قدری راندیم. صدای گلوله آمد. معلوم شد ساری اصلان تفنگ انداخته سمت شکار. به پدرسوخته گفته بودیم بگذار که ما برسیم. نگاه کردیم دیدیم دو سه شکار در تیررس هستند. تیر انداختیم به یکی از آن‌ها خورد. آمدیم برگردیم عمارت، دیدیم پسر عزالدوله ایستاده است کنار راه و دستش را به کمر زده. گفتند شکاری کرده‌است. رفتیم دیدیم. یک خوک کوچک زده بود. گفتیم: خاک بر سرت! خوک شکار کردی؟! سرش را انداخت پایین. خیلی خندیدیم!

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۳۱۰۰-۹۹ مورخ ۹۹/۰۹/۱۰ هیات به شماره کلاسه ۱۸۶-۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسفندیار مفنی زاده فرزندمحمد بشماره ملی ۰۶۸۱۹۲۲۷۶۱ صادره از بجنورد دریک باب منزل به مساحت ۲۲۰ مترمربع از پلاک ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای علی ضیغمی فرزند عباسعلی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱
احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک
۹۹۰۶۷۸۷۳/و

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۳۱۰۹-۹۹ مورخ ۹۹/۰۹/۱۰هیات به شماره کلاسه ۱۹۱-۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمید جباری فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۸۳۰۶۷ صادره از بجنورد دریک باب ساختمان به مساحت ۱۸۳.۶۷مترمربع از پلاک۹۶فرعی از۱۲۵ اصلی واقع در اراضی قریه عزیز بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی خانم منصوره اسماعیلی فرزند نصرالله محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱
احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک
۹۹۰۶۷۸۸۹/و

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۳۱۵۰-۹۹ مورخه۹۹/۰۹/۱۱ هیات به شماره کلاسه ۱۰۴-۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل گریوانی فرزند رضا قلی بشماره شناسنامه ۳۲۱۲۴ صادره از بجنورد دریک باب ساختمان به مساحت ۱۴۶.۷۰مترمربع از پلاک باقیمانده ۱۷۲فرعی از ۱۶۴ اصلی واقع در اراضی حصار شیر علی بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی شهرداری بجنورد محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱
احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک
۹۹۰۶۷۸۷۷/و

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر آرا، شماره ۳۱۱۹-۹۹ و ۳۱۲۰-۹۹ مورخ ۹۹/۰۹/۱۰ هیات به شماره کلاسه های ۱۸-۹۹ و۱۷-۹۹موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای امید دهقانی فرزندمحمد به شماره شناسنامه ۳۶۶۱۸صادره از بجنورد و خانم سکینه سبحانی فرزند محمد اسماعیل به شماره شناسنامه۲صادره از مانه وسملقان بالسویه هر کدام در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت۱۹۱.۲۵مترمربع از پلاک۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی شهرداری بجنورد محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول :۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۳۹۹/۱۰/۰۱
احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک
۹۹۰۶۷۸۸۸/و